وما آتاکم الرسول فخذوہ وما نہاکم عنہ فانتہوا

کتاب مستطاب جامع مسائل عبادات ومعاملات واعتقادات موافق مذہب امامیہ اثنا عشریہ کثرہم اللہ فی البریۃ

جامع عباسی

یہ کتاب مذہب	پنج بابی در بیان	شیعہ کی ہے

از مصنفات خاتم المجتہدین شیخ الاسلام والمسلمین آیۃ اللہ فی العالمین مولانا الشیخ بہاء الدین محمد العاملی

اہل سنت وجماعت	و بر حاشیہ	[illegible] منظور نظر گردن

ترجمۃ الصلوٰۃ

من تالیفات عمدۃ المحدثین الابرار قدوۃ المجتہدین الاخیار آخوند ملا محمد باقر المجلسی بہ تصحیح مولوی تصدق حسین صاحب

در مطبع نامی منشی نولکشور واقع لکھنؤ بہ طبع گردید

وما آتاکم الرسول فخذوہ وما نہاکم عنہ فانتہوا

کتاب مستطاب جامع مسائل عبادات و معاملات و ایقاعات موافق مذہب ناجیہ [illegible] فی البریۃ

جامع عباسی

یہ کتاب مذہب پنج بابی در متن شیعہ کی ہے

از مصنفات خاتم المجتہدین شیخ الاسلام والمسلمین آیۃ اللہ فی العالمین الشیخ بہاء الدین محمد العاملی

اہل سنت وجماعت و برحاشیہ اسکو ملاحظہ نہ کریں

ترجمۃ الصلوۃ

من مصنفات عمدۃ المجتہدین الابرار قدوۃ المجتہدین الاخیار اخوند ملا محمد باقر مجلسی مع تصحیح مولوی سید تصدق حسین صاحب

در مطبع نامی منشی نول کشور واقع لکھنؤ بحسن طبع گردید

ہندی از ترجمہ جناب مصنف طالب شراه

نقل از کتاب نجوم السماء فی تراجم العلماء مصنفہ فاضل المعی سخن پرور لوذعی جناب مولوی مرزا محمد علی صاحب

خاتم المجتهدین مولانا الشیخ بهاء الدین محمد بن حسین بن عبد الصمد الحارثی الهمدانی الجبعی العاملی

نسب شریفش بحارث بن عبدالله الاعور الهمدانی که از اصحاب کرامت اختصاص جناب امیر المومنین علیه السلام و از راویان احادیث سید المرسلین و از کبار علمای تابعین و فقهای عالمین بود می رسد جناب شیخ از راه مسکن بقریه جبع (بجیم مفتوحه و بای موحده و عین مهمله) که از قریهای جبل عامل است (بعین مهمله و میم مکسوره) نسبت دارد و صاحب سلافة العصر آورده که ولادت شیخ در بلده بعلبک روز چهارشنبه هفدهم ماه ذی الحجه در سال نهصد و پنجاه و سه هجری بوده و همراه والد ماجد خود در صغر سن بسوی دیار عجم آمده و در آنجا نشو و نما یافت و بخدمت والد ماجد خود و دیگر علمای عصر تحصیل علوم نمود تا آنکه بمرتبه کمال علم و غایت فضل رسید شیخ الاسلامی ممتاز گشت بعد از آن بسوی درویشی و سیاحت رغبت نمود و ترک اموال و مناصب کرد و مسافرت را بر اقامت اختیار فرمود پس بحج بیت الله الحرام و زیارت سید الانام و دیگر ائمه کرام مشرف گردید بعد تا مدت سی سال در سیاحت و مسافرت بسر برد پس از آن بدیار عجم مراجعت نموده بعد از آنجا رحل اقامت انداخت و یاران علم و فضل در آن دیار یافته و متوجه تالیف و تصنیف شد علمای اعصار بکتبش رجوع نمودند و اسماع و ابصار شان بر اذعان فضل و کمالش متفق شدند از جمله تصانیف شریفه آن جناب کتاب حبل المتین فی احکام الدین بحث طهارت و صلوة

تا آب بهمه جای او برسد و آن آب را بریزند و نوبت دیگر آب در آن کنند و حرکت دهند
و بریزند آن ظرف طاهر میشود و اگر آن ظرف نجس را در زمین محکم کرده باشند مثل دیگ
دکان کنندن آن لازم نیست و بهمین طریق طهارت میتوان داد و اگر خواهند که آب را
آن بیرون آورند آنرا از لته یا پنبه بردارند و بدانکه در ظرف طلا و نقره چیزی خوردن و چیزی در آن
گذاشتن حرام است بر مرد و زن اما آن آب و طعام و میوه که در ان ظرف هست حرام نمیشود
لیکن از ان ظرف بیرون آوردن آن بقصد خوردن حرام است و بقصد آنکه بر جای گذارند
و بعد از ان بخورند حلال است و از آفتابه طلا و یا نقره دست شستن حرام است و همچنین
بطاس طلا و نقره آب بر خود یا بر دیگری یا بر جای ریختن و همچنین از دوات طلا و نقره چیز
نوشتن و از سرمه دان طلا و نقره سرمه کشیدن اما قلم و میل طلا و نقره حلال است اگر
از طاس یا کوزه نقره کوب یا طلا کوب آب بخورد واجبست که لب و دهان را به طلا
یا نقره آن نرساند و اگر ظرف مس طلا را بر آتش گذارند پس اگر از ان طلا حاصل
شود حکم ظرف طلا خواهد داشت و اگر مطلقاً طلا حاصل نشود میانه مجتهدین در ان
خلاف است و اصح آنست که حکم ظرف مس دارد و غسل در حوض طلا و نقره صحیح
نیست خواه غسل ترتیبی باشد و خواه ارتماسی و اما اگر زمین آن حوض غیر طلا و
نقره باشد غسل در ان صحیح است باتمام رسید باب اول بتوفیق الله تعالی

باب دوم

در بیان مسائل نمازهای واجبی و سنتی است و در ان یک مقدمه و سه مطلب
و خاتمه است اما مقدمه بدانکه نمازهای واجبی دوازده است اول نماز
شبانه روزی که آنرا نماز یومیه گویند دوم نماز جمعه سوم نماز عید رمضان چهارم نماز
عید قربان پنجم نماز طواف خانه کعبه ششم نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و زلزله و
هراس آسمانی که موجب خوف باشد مثل بادهای سیاه و سرخ و امثال آن هفتم نماز میت

است که راه دین حق است و در
آخرت است که راه بهشت است
از برای مومنان و دوزخ
کشیده است و مومنان که در دنیا
صراط دین حق ثابت مانده اند از آن
صراط عبور می کنند بسوی بهشت
و در احادیث عامه و خاصه
مستفیضه وارد شده است که صراط
مستقیم علی بن ابی طالب است

دوم سکوت طویل در اثنای اذان سوم نگاه کردن مؤذن در حال اذان بجانب راست و چپ
چهارم هر یک از شهادتین را زیادت بر دو نوبت گفتن چنانکه مخالفان میگویند پنجم اذان گفتن در
وقت راه رفتن ششم سواره اذان گفتن هفتم اذان گفتن جهت عصر روز جمعه هر گاه نماز
جمعه گذارده باشند هشتم اذان گفتن جهت عصر روز عرفه شخصی که حج میگذارد نهم اذان گفتن جهت عشا
در مشعر الحرام شخصی را که حج میگذارد و بعضی از مجتهدین اذان را در این سه جا حرام میدانند
و اما آن دو امر که حرام است اول اذان گفتن قبل از آنکه وقت نماز داخل شود مگر اذان
نماز صبح که قبل از طلوع صبح جائز است دوم گفتن الصلوة خیر من النوم در اذان صبح
مگر بواسطه تقیه که نزد مخالفان گفتن آن سنت است فصل اقامت بعد از اذان
سنت موکده است با آنکه اذان ثواب عظیم دارد و ثواب اقامت بیش از آن است
و سنت است که آواز را در اقامت بلند نکنند و تانی در آن سنت نیست بلکه ترک تانی
سنت است و سید مرتضی علیه الرحمه اقامت را در همه نمازهای پنجگانه واجب میدانند
و بی وضو اقامت گفتن را حرام میدانند و ایستادن را در آن واجب میدانند و جمعی از
مجتهدین حرف زدن را بعد از گفتن قد قامت الصلوة حرام میدانند مگر حرفی که بنماز
تعلق داشته باشد مثل التماس کردن حاضران از شخص عادلی که پیش نمازی ایشان
کند یا امر کردن ماموین را که صفهای خود را راست بدارید و مانند این و هر گاه
شخصی اذان و اقامت را بجا نیاورده داخل نماز شود سنت است که نماز را قطع کند
و برگردد و بجا آورده نماز را از سر گیرد و این مشروط به پنج شرط است اول آنکه بسهو ترک
اذان و اقامت کرده باشد نه عمدا دوم آنکه در رکعت اول باشد سوم آنکه رکوع نکرده باشد
چهارم آنکه وقت نماز تنگ نشده باشد که اگر طالع اذان و اقامت نماید بعضی از نماز در
خارج وقت واقع شود پنجم آنکه لازم نیاید که بعضی از نماز در مکان یا در جامه غیر مباح واقع شود
[illegible]

کی از ... بیرون ... آید و شنوا است
که از گوش ... سر ... چیدن
که از بینی بیرون ... آید ... چیدن
که از دهان بیرون ... آید ... و ... دل
... که از دل ... سر ... شود
... که از ... بیرون ... آید
... [illegible]
در ... نیست ...

۵۰

[illegible]

در ... اشاره ...